

## شکوائیه و اعتراض در اشعار علیرضا قزوه

### فهیمة سازمند

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی همدان

مدرس دانشگاه علمی کاربردی واحد همدان

#### چکیده

ادبیات دفاع مقدس بخصوص شعر متعهد بر پایه‌ی فرهنگ ظلم‌ستیزی شیعه و اسلام بنا شده است. از آنجا که شاعران این دوره زمان آگاه هستند و اشعارشان متأثر از اتفاقات و حوادث اجتماعی گوناگون است؛ شعر دفاع مقدس نیز در مسیر تکاملی خویش در هشت سال دفاع مقدس ناظر رشادت‌ها و فداکاری جوانان بوده‌اند و شاهد لحظه لحظه‌ی تصویرهای آن جامعه بودند. اعتراض در شعر دفاع مقدس با هدف و برنامه‌ریزی قبلی صورت نگرفته بلکه عکس‌العمل آگاهانه‌ی هر انسان متعهد و مؤمنی است که در مقابل ظلم و ستم، چه فرهنگی چه به صورت تهاجم نظامی انجام می‌شود. شاعران این دوره نیز مانند همه‌ی دوران پیش، هرگز تاب این ظلم‌ها را نداشتند و بر این مبنا زبان به اعتراض گشودند و ژانر ادبی اعتراض را به عنوان یکی از مضمون‌های اصلی شعر دفاع مقدس که هدفش بیان دردها و معضلات اجتماعی است، بوجود آوردند. شاعران اعتراض شروع به افشاگری کردند و در این راه آنقدر فریادشان واضح و رسا بود که گاهی تا محاکمه‌ی مجرم نیز می‌کشید. این پژوهش با هدف نشان دادن این ژانر ادبی در شعر شاعران دفاع مقدس می‌باشد که رسالتش بیدار کردن وجدان‌های خوابیده است. شعر اعتراض شعر شهامت و شجاعت است و اصلاً به منافع خویش توجهی ندارد. شاعران دفاع مقدس در بحبوحه‌ی جنگ تنها راه نجات ارزش‌های جنگ را اعتراض دانستند. یکی از پیش‌گامان این نوع شعر علیرضا قزوه، است. شعر اعتراض انواع متفاوتی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: اعتراض بر بی‌عدالتی، فراموشی شهدا، اعتراض بر دگرگونی ارزش‌ها، انتقاد بر بی‌اعتنایان به جنگ، اعتراض بر تجمل‌گرایی و... می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: شعر دفاع مقدس، شکوائیه، اعتراض، علیرضا قزوه.

## مقدمه

اعتراض گونه‌ای از شعر انقلاب اسلامی است که به مقتضای خاتمه‌ی جنگ و در امتداد مبارزه‌ی انقلابی خود، به برخی بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها به صورت جدی پا به عرصه‌ی ادبیات گذاشت. عنصر اعتراض و منعکس کردن واقعیت‌های تلخ سیاسی و اجتماعی در جامعه‌ی ایران همواره یکی از افتخارات ارزنده‌ی شاعران پایداری است. اعتراض یکی از مضمون‌های معروف شعر دفاع مقدّس است که در انحنای سکوت‌هایی پدید آمد که حقوق فرهنگی، شخصی، ملی و اجتماعی افراد در کنار آنها تلف می‌شود (صیدی، ۱۳۸۸: ۷۲). ادبیات دفاع مقدّس و بخصوص شعر این ژانر ادبی متعهد بر پایه ارزش‌ها بنا شده است، یکی از مضمون‌های اصلی شعر دفاع مقدّس اعتراض است. شعر اعتراض بر مبنای هنجارها و اهداف عالی یک ملت بنا شده است. این گونه شعر در مقابل دردها و معضلات اجتماعی سکوت نمی‌کند، بلکه با فریادی رسا و واضح بر بی‌دردی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها بانگ بر می‌آورد و به افشاگری می‌پردازد. مجرم را به پای میز محاکمه می‌کشاند و محکوم می‌کند. در واقع شعر اعتراض شعر شهامت و شجاعت است، به منافع خویش توجهی ندارد. شاعران شعر اعتراض در تشخیص اینکه تنها راه نجات آرمان‌ها و ارزش‌های جنگ همین اعتراض است به بی‌راهه نرفته‌اند.

اعتراض یکی از مضامین لاینفک شعر از دوره‌های نخستین شعر فارسی بوده است. شاعران برای تأثیر بیشتر و آگاهی همه‌ی اقشار جامعه اعتراض خود را با زبان شعر بیان می‌کردند. بیان کردن اعتراض با زبان شعر اغلب تأثیر گذار و با نوعی سوز درونی همراه است. در دوره‌ی مشروطه و بعد از آن کم‌کم زبان انتقادات و اعتراض‌ها واضح‌تر و در شعر برخی شاعران مثل فرخی یزدی، میرزاده‌ی عشقی آشکارتر شد. اما با تغییر حکومت و اختناق از تندوی آن کاسته شد. اما بعد از انقلاب و شروع جنگ جریان شعر اعتراض به یک ژانر مشهور تبدیل شد. لازمه‌ی شعر اعتراض بیان وضع موجود و امیدواری به آینده‌ی مطلوب است. شعر اعتراض شعری است که هدفش جنگ با ظلم و بی‌عدالتی و زشتی و پلیدی است. هدفش ترسیم جامعه‌ی سالم و اسلامی است. یک شاعر متعهد همواره نسبت به انحراف حاکمان و دولت‌مردان و بی‌عدالتی فرهنگی و اجتماعی واکنش نشان می‌دهد. در هر دوره‌ای شمشیر تیز اعتراض به گونه‌ای خاص به اصلاح جامعه کمک می‌کرده است. در زمان جنگ نیز با دیدن بسیاری از نابه‌سامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها قلم به دست گرفته، در مقام یک مصلح اجتماعی وارد صحنه شدند. این شاعران با حنجره‌های غیرتمند و فریادهای خویش زبان به اعتراض گشودند. مضمون اعتراض در شعر دفاع مقدّس یکی از مضامین آشنا و محوری دهه‌های شصت و به صورت گسترده دهه‌ی هفتاد را تشکیل داده است. اولین اعتراضات شاعران، به سکوت مجامع بین‌المللی نسبت به جنگ ایران و مشکلات داخلی، مسائل اجتماعی، فرهنگی و مشکلات اقتصادی بوده است. از این رو مضمون اعتراض ابعاد مختلفی پیدا کرد و شاعران نگاه ویژه‌ای به مفهوم اعتراض پیدا کردند.

## ۱- اعتراض به فراموشی شهدا

علیرضا قزوه یکی از چهره‌های فعال در زمینه شعر اعتراض می‌باشد؛ امکان ندارد حادثه‌ای در جهان بیفتد و از دید قزوه پنهان باشد وی شاعری آگاه و نسبت به حوادث اطرافش سریع واکنش نشان می‌دهد. بعد از جنگ یکی از دغدغه‌های وی فراموشی شهدا و کسانی است که برای آرامش و پیروزی این کشور جانشان را فدا کردند، بوده است. بعد از پایان یافتن جنگ بسیاری از شاعران که خود در جنگ نیز حضور داشتند. وقتی احساس کردند اوضاع فرهنگی جامعه در مسیری غیر از مسیر حفظ و پاس‌داشت ارزش‌ها و آرمان‌های بلند امام (ره) و بر خلاف دستاوردهای دفاع مقدّس حرکت می‌کند، شروع به اعتراض کردند. یکی از این محورها فراموشی شهدا بود که شاعران همیشه مردم را به آن تذکر می‌دادند. فراموش کردن قهرمانان واقعی جنگ و شهدایی که خالصانه در راه ارزش‌های انقلاب جان خود را از دست داده بودند. بزرگترین دغدغه‌ی شاعران بوده است.

دسته گل‌ها دسته دسته می‌روند از یادها / گریه کن ای آسمان در مرگ طوفان زاده‌ها / سخت گمنامید ای شقایق سیرتان / کیسه می‌دوزند با نام شما شیادها / با شما هستم که فردا کاسه‌ی سرهایتان / خشت می‌گردد برای عافیت‌آبادها / غیر تکرار غریبی، هان چه معنا می‌کنید / غربت خورشید را در آخرین خردادها (قزوه، ۱۳۹۰: ۲۲) در جایی دیگر می‌گوید:

راستی یاد شهیدان بیت‌المقدس بخیر / جهان‌آرا که بود؟ / حاج همت که بود؟ / حاج عباس از دنیا یک قرآن جیبی داشت / شهید خرازی / شهید نوری / سرداران بی دست / شهیدان گم نام بی‌یادنامه / بی سنگ قبر / عاصمی‌پور چه شد / ... الهی امسال هیچ شاعری با حلق اسماعیل هم صدا نشد / راستی شماره‌ی شهدا چند بود؟ (قزوه، ۱۳۸۷: ۶۳).

## ۲- اعتراض به عافیت‌طلبان

در دوران دفاع مقدس کسانی بودند که با تظاهر به دینداری سعی در ایجاد فضایی امن برای عملی کردن اهداف شوم و شیطنانی خویش بودند. زمانی که سنگرداران و رزمندگان با خون و جان خود در حفظ بنیان انقلاب پرپر می‌شدند؛ عده‌ای در گوشه‌های خانه‌ها و بازارها به عیش و نوش خود مشغول بودند. اما شاعران دفاع مقدس با هدف والای خود و با رسالت آگاه کردن مردم با ترسیم چهره‌ی عافیت‌طلبان و افرادی که با فرصت‌طلبی از اوضاع بهم ریخته‌ی کشور با دور رویی به انقلاب ضربه زدند. شاعران با هدف افشاگری به ترسیم چهره‌ی این افراد پرداختند. او در پاک کردن حساب مردم / مهارتی خاص دارد / و از ولاضالین همه ایراد می‌گیرد / هر وقت جنگ جدی می‌شد / به جبهه می‌رفت / و یک تغار آب پرتقال تگری می‌خورد / او از خدا چند هزار رکعت طلبکار است / و خاطرخواه جیب‌های برآمده است / بی‌خبر از همه جا / برای بنیاد نبوت صلوات می‌فرستند / و گاه مارکوس را محکوم می‌کند / تا سیاستش عین دیانتش باشد / بعضی‌ها برای جنگ شعار می‌دهند / و خودشان از جاده‌ی شمال به جبهه می‌روند (قزوه، ۱۳۹۰: ۸۰).

## ۳- اعتراض بر بی‌عدالتی

علیرضا قزوه، مرد میدان و مبارزه است خواه مبارزه‌ی فرهنگی خواه مبارزه سیاسی، او در همه صحنه‌ها حضور دارد. بعد از جنگ و به‌خصوص در سال‌های اخیر وی به یکی از چهره‌ی مهم فرهنگی و سیاسی تبدیل شده؛ شاعران انقلاب با دیدن فقر و تبعیض‌های اجتماعی و فضای دوگانه و بی‌عدالتی‌هایی که به قشر محروم جامعه می‌شد. در فضایی که ولی‌نعمتان جامعه خون می‌خوردند ولی عده‌ای به سفرهای آن چنانی می‌رفتند و در ناز و نعمت به سر می‌بردند. قزوه در اصل شاعر عدالت‌خواه است؛ اغلب اشعارش به فاصله‌ی طبقاتی و مبارزه با تکلف بوده است. بیا به آفتابی نهج‌البلاغه بر گردیم / چرا نهج‌البلاغه را جدی نمی‌گیریم؟ / مولا ویلا نداشت / معاویه کاخ سبز داشت / پیامبر به شکمش سنگ می‌بست / امام سیب‌زمینی می‌خورد (قزوه، ۱۳۸۷: ۶۱) در جای دیگر می‌گوید:

دیشب مادرم با چای و کشمش سر کرد / او قلبش برای انقلاب می‌تپد / اما وسعش نمی‌رسد یک نوار قلب بگیرد / و من می‌دانم نوار قلب هم / همه‌ی منحنی‌های دردش را نشان نمی‌دهد / مادرم دفترچه خدمات درمانی ندارد / و همیشه ابوالفضل به دادش می‌رسد / او برای شهیدان حلوا می‌پزد / و به ما یاد می‌دهد که چگونه شب‌های جمعه / با چهار قاشق حلوا نذری سیر شویم (قزوه، ۱۳۸۷: ۶۵)

## ۵- اعتراض به توسعه‌ی کشور به روش غربی

بعد از پایان جنگ وقتی مسؤلان کشور به فکر بازسازی کشور و رسیدگی به اقتصاد آسیب دیده‌ی کشور افتادند. به جای اینکه کشورمان را بر اساس موازین اسلامی بازسازی بکنند و با اجرای عدالت در همه‌ی مسائل و با اولویت رسیدگی به مناطق جنگ زده عمل کنند. بر عکس موازین اسلامی عده‌ای از مسؤلان بر خلاف عدالت اسلامی و بر اساس اقتصاد آزاد که یک برنامه

توسعه برای کشورهای اروپایی است عمل کردند. در آن دوره برخی با این طرح مخالف بودند و این طرح را برای توسعه یک کشور اسلامی سخت و پیچیده می‌دانستند؛ زیرا از لحاظ فرهنگی و اقتصادی سختی با فضای پس از جنگ و دفاع مقدس نداشت. کسانی که این نظریه را طرح کردند بدون در نظر گرفتن عدالت و رسیدگی به مستضعفین، تنها راه رشد و توسعه کشور را دور شدن از عدالت و توسعه به سبک اروپایی می‌دانستند. این طرح توسعه با مولفه‌های انقلاب و ارزش‌های اولیه یک حکومت اسلامی در تضاد کامل بود. این تضاد آشکار باعث شد شاعران انقلاب و افراد مؤمن و متعهد و دلسوزان انقلاب به این سبک توسعه و سازندگی معترض شوند.

باری، ما هرچه می‌کشیم از دست مرغ و بنز و ویلاست / ما هر چه می‌کشیم از این‌هاست / اصلاً با این طرح چطورید؟ / جان دادن از ما طرح اقتصادی از شما (قزوه، ۱۳۸۷: ۶۱)

#### ۶- اعتراض به دین‌فروشان دنیا طلب

با آن که جنگ با آن‌همه ویرانی و خون و خرابی شروع شد. برخی مردم فرار کردند یا در مقابل این حادثه عظیم سکوت کردند. برخی نیز به بهانه‌ی حفظ ارزش‌های دینی در پشت جبهه، خود را در پشت سنگر دین پنهان کردند. با ادعای دینداری و اعتقاد به این که دین با سیاست کاری ندارد از صحنه‌ی جنگ و جبهه فرار کردند. در حالی که بخش عظیمی از کشورمان درگیر جنگ بود این افراد سکوت اختیار کردند. این دینداران دورو که با ادعای مسلمانی به دنیا وابسته بودند؛ ضربه‌های سختی به اسلام و انقلاب زدند. هیچ شاعر معتقدی در مقابل این افکار شوم ساکت نمی‌نشاند.

هلا دین‌فروشان دنیاپرست / سکوت شما پشت ما را شکست / چرا ره نیستید بر دشنه‌ها؟ / ندادید آبی به لب تشنه‌ها / نرفتید گامی به فرمان عشق / نبردید راهی به میدان عشق / اگر داغ دین بر جبین می‌زنید / چر دشنه بر پشت دین می‌زنید؟ (قزوه، ۱۳۸۷: ۴۲)

وی در برخی اشعارش به صورت صریح به کسانی که با سوءاستفاده از اسلام و دین و برای حفظ منافع خود را مؤمن و متدین نشان می‌دهند؛ اینان با ظاهرسازی در صدد رسیدن به اهداف پلید خود هستند که بعد از انقلاب از این گونه افراد بسیار بوده- اند. «شعر قزوه شعری است رسا که با زبانی صریح و صمیمی واقعیت‌های جنگ و مسائل پیرامون آن را با نگاهی تند و گاهی با زبانی آمیخته به طنز که از زبان محاوره‌ای پیرامونش گرفته بیان می‌کند. شعرهای وی یکی از موفق‌ترین و تأثیرگذارترین اشعار دفاع مقدس بوده که مخاطبان زیادی را تا به امروز با خود همراه کرده است.» (ترابی، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

او از خدا چند هزار رکعت طلبکار است / و خاطر خواه جیب‌های بر آمده است / بی خبر از همه جا برای بنیاد نبوت صلوات می‌فرستد / و گاه مارکوس را محکوم می‌کند / تا سیاستش عین دیانتش باشد (قزوه، ۱۳۸۷: ۵۲) و در جایی دیگر می‌گوید: بگذار حاجی آقا برای امام حسین (ع) بکشد / و مرغ کوپنی / برایش واژه‌ی خنده‌داری باشد / بگذار صغری سر بچه‌هایش / را با سیراب شیردان گرم کند / زینب همچنان پیه آب کند / ...امام خون دل بخورد / و حاجی آقا صیغه‌ی چهاردهم را بخواند / خدایا به ما اسلام ناب آمریکایی عطا کن / تا از هر اتهامی مبرا باشیم (قزوه، ۱۳۸۷: ۵۳).

#### ۷- اعتراض به سکوت جهانی

شاعر مقاومت هر زمانی که بی‌توجهی محافل بین‌المللی را می‌بیند و چشم بستن مدعیان حقوق بشر را در مقابل مظلومیت کشورهای بی‌گناه را که با سکوتشان آتش شعله‌ی این جنایات را بیشتر می‌کنند، فریادهای اعتراضش را به سوی این تبعیض و دورغ‌پردازی می‌گشاید. بیشتر اعتراض‌ها به مجامع بین‌المللی در مورد مسئله‌ی فلسطین و مظلومیت این کشور مسلمان است. شاعر معترض است که چرا اروپایی‌ها با اینهمه ادعای تمدن چشم خود را به این جنایات آشکار در کشورهای بی‌گناه بسته‌اند.

به هر جا زنگ می‌زنی / کسی جواب نمی‌دهد / تمام مشترکان خاموش‌اند / تمام آتش‌ها / خاکست / تنها سنگ‌ها / در دسترس‌اند (قزوه، ۱۳۸۹: ۶۹) و در جایی دیگر می‌گوید:

آن سوی مرز را نگاه کن / چه همه‌ایست / و کسی نیست تا بر جنازه‌ی الجزایر نماز بخواند / و کسی نیست / تا هزار پرچم را / در لبنان و افغانستان آتش بزند / ... چرا خشمگین نباشم؟ / وقتی جغدها آواز می‌خوانند / و شعرهای مشکوک می‌گویند (قزوه، ۱۳۸۷: ۹۲)

### ۸- اعتراض به تهاجم فرهنگی

در طول هشت سال جنگ و دفاع مقتدرانه‌ی ایران در جنگ نا برابر عراق علیه ایران، دولت عراق در کنار حمله نظامی، به کمک رسانه‌های غربی فعالیت‌های فرهنگی خود را نیز علیه ایران آغاز کرده بود. دولت عراق وقتی نتوانست در رویارویی نظامی راه به جایی نبرد؛ با مبارزه‌ی فرهنگی و تهاجم فرهنگی، ارزش‌ها و اعتقادات مردم ایران را نشانه گرفتند. دشمنان ایران جنگ فرهنگی را شروع کردند؛ جنگی که به گفته‌ی مقام معظم رهبری امروزه جنگ‌ها بیشتر از طریق تبلیغات و فرهنگ انجام می‌شود و بیگانگان یک ناتوی فرهنگی علیه ایران را با سازماندهی شروع کردند. رهبر عزیزمان در فرمایشاتشان همیشه خطر تهاجم فرهنگی را مخرب‌تر از جنگ نظامی معرفی کردند. غربی‌های در سال‌های جنگ و به صورت گسترده بعد از جنگ از طریق ساخت فیلم‌های ضد اسلامی و ضدایرانی علیه ایران ضربات سختی را به انقلاب زدند. در مقابل اینهمه تلاش‌های ضد اسلامی مسولین ما باید آگاه باشند. رهبر عزیزمان همواره به قشر آگاه جامعه به‌خصوص دانشگاهیان و نهادهای فرهنگی، شاعران و هنرمندان توصیه می‌کنند. باید در مقابل این تهاجمات ایستاد و با آگاه‌سازی جوانان از این جنگ نرم و بی‌هویت کردن جوانان جلوگیری کنند؛ زیرا معتقدند دشمنان زمانی می‌توانند به اسلام و ایران ضربه بزنند که افکار آنان را با خود همسو و هم فکر بکنند. شاعران نیز با توجه به مسئولیت فرهنگی‌شان، خطر تهاجم فرهنگی در دانشگاه‌ها را تذکر دادند. می‌ترسم روزی به نام تمدن / به گردن بعضی زنگوله بیندازند / می‌ترسم شلوارهای جین و چارلی کار دستمان بدهد / و شکلات‌های انگلیس دهانمان را ببند / ... پسر خوانده‌های مایکل جکسون به دانشگاه می‌روند / انیشتن بی‌خواه می‌ماند / ... با اینهمه در دانشگاه ما / یک استاد نر پاپیون می‌زند / و فرانسه صحبت می‌کند. (قزوه، ۱۳۸۷: ۵۶) در جای دیگری می‌گوید:

باز همان آش بود و همان کاسه / و سان گلاسه / گافه گلاسه / کاپوچینو / و بستنی‌های هفت رنگ ایتالیایی / کفاره‌ی این همه غفلت‌مان بود / وقتی دندان عقلمان عاریه‌ای باشد / باید هنرپیشه‌ها را بزرگ کنند / و سردمداران یونسکو / برای حفظ پرستیژ حافظ / عکس شهیدان دانشگاه را جمع کنند (قزوه، ۱۳۸۷: ۴۸)

دانشگاه‌ها به کلیله و دمنه معتاد است / معلم‌ها به رونویسی از تکلیف کبری اکتفا کردند / و هنرمندان مرتب برای هم / جادو و جنبل می‌کنند (قزوه، ۱۳۸۷: ۵۱)

### ۹- اعتراض به اعتنایی به جانبازان

حفظ آرمان‌های انقلاب و جنگ یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که شاعران دفاع مقدس همواره در اشعارشان به آن تأکید می‌کنند، همچنین پاس‌داشت کسانی که برای حفظ این آرمان‌ها، جان و مالشان را به خطر انداخته‌اند. کسانی که در این راه شهید شدند یا به فیض جانبازی رسیدند. تکریم این قهرمانان هشت سال دفاع مقدس یکی از وظایف مردم و بخصوص جوانان است. اما در سال‌های اول بعد از جنگ بسیاری از ارزش‌ها و اعتقادات رنگ باخت و آنهمه رشادت رزمندگان از یادها فراموش شد. نگاه‌های تحقیرآمیز نسبت به جانبازان و جای نگاه‌های تحسین آمیز را گرفته بود. اما شاعر نکته سنج و درد کشیده‌ی جنگ، با شکوه از مردم به مردم تذکر می‌دهد که اینهمه آرامشی که ما داریم مدیون همین رزمندگان و شهدایی هستیم که جانشان را فدای کشورشان کردند.

خدا کند روایت فتح را فراموش نکنیم / امسال در جلوی امجدیه کورنگی بیداد می‌کرد / امسال همه چیز را / یا آبی دیدیم یا قرمز / امسال هم انصاف‌های ما حسابی چرت زد / امسال وجدان‌های ما آنفولانزا گرفت / امسال تاکسی‌ها به پاهای قطع شده / با دنده‌ی چهار احترام گذاشتند (قزوه، ۱۳۸۷: ۶۴).

**۱۰- اعتراض بر فراموشی دستاورد جنگ و هویت دینی**

فراموش کردن شهیدان به عنوان کسانی که در راه هویت دین و عقیده‌ی خویش جنگیدند و با خون پاکشان از فرهنگ و مذهب و ناموس کشور خویش دفاع کردند بزرگترین درد است. این درد بر شاعرانی که با چشم‌های خود پرپر شدن فرزندان پاک این مرز و بوم را دیده‌اند؛ تحمل ناپذیر است. از نظر شاعران جنگیدن در راه عقیده از یک طرف و حفظ آن، به یک اندازه سخت است با آنکه بسیاری از جوانان غیرتمند ایران در راه وطن شهید شدند؛ اما دفاع از این خون‌های ریخته و حفظ هویت فرهنگی و دستاوردهای هشت سال دفاع مقدس سخت‌تر است. بسیاری از افراد کسانی که در جنگ جان و مال خود را از دست دادند را نادیده گرفتند. علیرضا قزوه در شعری «روزگار قحطی وجدان» نگرانی و اعتراضش از بی-تفاوتی به جبهه و جنگ چه در زمان جنگ چه بعد از آن این گونه بیان می‌کند:

جنگ که تمام شد / عموجان فرانک هم از فرانسه برگشت / هنرمندان برای گاو مش حسن رمان نوشتند / و بر اساس یه قل و دو قل / آخرین فیلم‌شان را ساختند / و امسال سال قحطی عاطفه بود... / و هیچ کس به ریشه‌داران بی‌ریشه نگفت: بالای چشمتان ابروست (قزوه، ۱۳۹۰: ۵۵).

**۱۱- اعتراض بر بی‌دردی و تجمل‌گرایی**

شاعران با کنار هم قراردادن تجمل و فقر، تضادی سؤال برانگیز را به تصویر می‌کشند. اعتراض به تجمل و رفاه‌زدگی سیر تاریخی خاصی را در سال‌های پس از انقلاب طی کرده است. اولین اعتراضات شاعران در آغاز متوجه قشرهای ثروتمندی بود که دل خوشی از انقلاب و جنگ نداشتند. علیرضا قزوه نیز در مدمت تجمل‌گرایی و دنیا طلبی با زبان کنایه و گاهی تندتر با زبان هجو احساسات خود را بیان می‌کند. وی با روحی لطیف در مقابل هر چیزی که با اعتقادات و باورهایش مغایر باشد می‌ایستد و با زبان اعتراض از باورهایش دفاع می‌کند. وی در شعری و با لحنی طنز گونه ولی تلخ فریاد می‌زند این خون‌های شهیدان عرصه‌های نبرد که ریخته شده، خون حجامت ملت بود که ما الان در آسایش هستیم:

این همه خون، حجامت ملت بود / تا حاج آقا همچنان کباب سلطانی کوفت کند / تا قلیان بکشد، به تسبیح شاه مقصودش بنازد / راستی چرا بعضی / از سادگی انقلاب، سوءاستفاده می‌کنند؟ (قزوه: ۱۳۹۰، ۴۹)؛ و در جایی دیگر می‌گوید.

سیاست بازان باز سر گیجه گرفته‌اند / باند ارتشا / باند زنا / باند مهدی هاشمی هزار پا / اصلاً" گور پدر مال دنیا / ریاضت کش به ویلایی بسازد! / باری، ما هر چه می‌کشیم / از دست مرغ و بنز و ویلاست / ما هر چه می‌کشیم از این‌هاست / اصلاً" با این طرح چطورید؟ / جان دادن از ما / طرح اقتصادی از شما / من فکر می‌کنم شاعری زخم زبان می‌خواهد / نه مبانی نه بیان می‌خواهد / شاعر یعنی موی دماغ سیاست بازان / شاعری که با خیال راحت می‌خواهد / اصلاً" شاعر نیست. / بیا به آفتابی نهج البلاغه بر گردیم / چرا نهج البلاغه را جدی نمی‌گیریم؟ / مولا ویلا نداشت / معاویه کاخ سبز داشت / پیامبر به شکمش سنگ می‌بست / امام سیب زمینی می‌خورد / البته به شما توهین نشود. (قزوه: ۱۳۹۰، صص ۸۳، ۱۰۳)

**۱۲-اعتراض به نفس خود**

بسیاری از شاعران در مقام یک معترض تنها دیگران را مورد اعتراض قرار نمی‌دادند بلکه آنها وقتی گستردگی و اوج عظمت دفاع مقدس را مشاهده می‌کنند، دچار سرگردانی و حیرت می‌شوند و ناخودآگاه زبانشان بند می‌آید. به خاطر همین به سکوت خویش اعتراض می‌کند و خود را سرزنش می‌کند. شاعر می‌گوید وقتی صخره با این سختی این حادثه‌ی عظیم را درک کرده چرا او این گونه سکوت کرده است:

«از سنگ‌های بیابان خاموش ماندن عجب نیست / از ما که هم کیش درجیم این گونه ماندن عجیب نیست» (قزوه، ۱۳۸۵: ۱۲) و در جای دیگر می‌گوید:

«در این بهار شکوفایی، کسی به فکر شکفتن نیست / دل من است که وا مانده ست / دل من است که از من نیست / شکسته بال ترینم من، شکسته، خسته همینم من / همین که هیچ در او شوقی، به پر کشیدن و رفتن نیست / چه شد که در شب خاموشی، زگرد باد فراموشی / میان کوچه دلها مان، چراغ عاطفه روشن نیست» (قزوه، ۱۳۸۵: ۲۸).

### ۱۳- اعتراض به منافقان و خرابکاران داخلی

دفاع هشت ساله‌ی ایران با اینکه خسارت‌های جبران ناپذیری به بار آورد اما، از جهت دیگر باعث شد نقاب از چهره‌ی کسانی که به دروغ مدعی وطن دوستی بودند، بردارد. جنگ نا برابر ایران، تصویری واضح از دوست و دشمنان داخلی و خارجی ایران ترسیم کرد. عده‌ای با بی شرمی از وضعیت جنگ سوءاستفاده کردند و می‌خواستند تفرقه بین ملت ایجاد کنند. اما شاعران با هوشیاری مردم را از بی‌هویتی این گونه افراد آگاه ساختند. یکی از این گروه‌ها که در زمان جنگ به تفرقه و خرابکاری پرداختند منافقان بودند. علیرضا قزوه در غزلی این گروه را نکوهش کرده و بیان می‌کند که زخمی که این منافقان به پیکره‌ی انقلاب زدند از زخم دشمن عمیقتر و دردناک‌تر است:

«ای شانه، از دست یاران، جز نان خنجر نخوردیم / بگذار تنها در این شهر، خود را برادر بخوانیم / حتی همین واژه‌ها با ما برادر نبودند / بگذار این شعر را زخم مکرر بخوانیم» (قزوه، ۱۳۷۴: ۳۵).

### ۱۴- اعتراض به غفلت زدگی

یکی دیگر از تحذیرهایی که در شعر شاعران دفاع مقدّس می‌تپد، پرهیز دادن جامعه از غفلت است. جامعه دگرگون شده و به لاک عافیت خزیده، خیلی زود از دستاوردهای مادی و معنوی خود غافل خواهد شد. این است که شاعر دفاع مقدّس: امروز می‌خواهد شاعری باشد / با شمشیر وجدان در دست / و واژه‌هایش را مؤاخذه کند! (قزوه، ۱۳۸۵: ۴۶). چرا که همین شاعر پیش از این دریافته است که:

امروز مردم را با «هوشیار و بیدار» خواب می‌کنند / امسال هم انصاف‌های ما حسابی چرت می‌زد / و وجدان‌های ما آنفولانزا گرفت! (همان، ۶۱).

### ۱۵- اعتراض به بی‌تفاوتی به ارزش‌های انقلاب

... من بعضی وقت‌ها در خیابان / دنبال یک سر سوزن غیرت می‌گردم / بیا بی خیال باشیم / در روزگار چرخش‌های صد و هشتاد درجه / در روزگار جوک و غیبت / یادش به خیر / تلخ و شیرین / داریوش و گوگوش / نعمت نفتی / گل گفتی / روزگار دمپایی‌های لا انگشتی / آدم‌های لا ابالی / مسترهای آمریکایی / بیا به امامزاده داوود برویم / کباب بره‌اش معرکه است / مطمئن باش بد نمی‌گذرد / هوای آزاد کوه‌های دربند حرف ندارد / آرامش رؤیایی / در بعد از ظهرهای کنار دریا فراموش نشدنی است / بیا به فکر تمدن باشیم / وقتی تابوت شهید نمی‌آید.../خدا یا! به ما اسلام ناب آمریکایی عطا کن! / تا از هر اتهامی مبرا باشیم! (قزوه، ۱۳۹۰: ۷۸، ۷۷، ۸۲).

### نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌ها و مطالعه‌ای که در خصوص شاعران دفاع مقدّس بخصوص علیرضا قزوه انجام شد، به این نتیجه می‌رسیم که شاعران برای تأثیر بیشتر و آگاهی همه‌ی اقشار جامعه اعتراض خود را با زبان شعر بیان می‌کردند؛ زیرا بیان اعتراض با زبان

شعر اغلب تأثیرگذار و با نوعی سوز درون همراه است. علیرضا قزوه یکی مهم‌ترین چهره‌های فعال در موضوع اعتراض در سالهای بعد از جنگ است، اما باید گفت اعتراض تنها مخصوص دوران دفاع مقدس نیست بلکه در همه‌ی دوره‌ها، شاعران بر اساس شرایط و وضع جامعه‌ی خود اعتراض خود را در شعر بیان می‌کردند. اما بعد از انقلاب و شروع جنگ جریان شعر اعتراض به یک ژانر مشهور تبدیل شد. شعر اعتراض شعری است که هدفش مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی و ترسیم جامعه‌ی سالم و اسلامی است. مضمون مهم اعتراض در شعر دفاع مقدس یکی از مضامین آشنا و محوری در دهه‌های شصت و هفتاد است. هفتاد را تشکیل داده است. اولین اعتراضات در شعر شعر شاعران دهه شصت به سکوتی انجام شد که از طرف مجامع بین‌المللی به جنگ نابرابر ایران و عراق پدیدار شد. بعدها انتقاد از اختلافات و مشکلات اجتماعی و بی‌تفاوتی‌هایی که به مسئله جنگ در میان اقشار مختلف جامعه می‌شد به اوج رسید. تا اینکه این مضمون آشنا به یک مفهوم محوری در شعر بسیاری از شاعران به خصوص سلمان هراتی و علیرضا قزوه تبدیل شد. این شاعر نسبت به همه‌ی حوادث جامعه واکنش نشان داده و در مقابل بی‌عدالتی‌ها و بی‌نظمی‌هایی که مغایر با اعتقادات و باورهای اسلام، تیغ تیز اعتراض‌شان بلند شده و هرگز ساکت ننشستند.

### منابع و مأخذ

۱. ترابی، ضیاءالدین (۱۳۸۱) شکوه شقایق (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس) ناشر، قم: موسسه‌ی فرهنگی سما.
۲. سنگری، محمد رضا، (۱۳۸۰) نقد و بررسی ادبیات مظلوم دفاع مقدس، جلد سوم، تهران، انتشارات پاییزان، چاپ اول.
۳. سنگری، محمد رضا (۱۳۸۹) ادبیات دفاع مقدس، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۴. صیدی، عباس، (۱۳۸۹) مغزله در خون، ایلام، انتشارات برگ آذین.
۵. فولادوند، مرجان، درآمدی بر سبک‌شناسی شعر جنگ، مجله شعر، سال دوم، شماره ۱۷، ۱۳۶۶
۶. قزوه، علیرضا (۱۳۸۴) قطار اندیمشک، تهران: انتشارات لوح زرین.
۷. قزوه، علیرضا (۱۳۸۶) با کاروان نیشه، (ترکیب‌بند عاشورایی) چاپ چهارم، تهران: انتشارات سوره‌ی مهر.
۸. قزوه، علیرضا (۱۳۹۱) صبح بنارس، چاپ دوم، ناشر، تهران: شهرستان ادب.
۹. قزوه، علیرضا (۱۳۷۴) شبلی و آتش، چاپ اول، تهران، انتشارات اهل قلم.
۱۰. قزوه، علیرضا (۱۳۸۴) عشق عیله السلام، چاپ دوم، تهران، انجمن شاعران ایران.
۱۱. قزوه، علیرضا (۱۳۹۰) از نخلستان خیابان، تهران، انتشارات سوره‌ی مهر.



## Propaganda and Protest in the of Alireza Qazveh

Fahimeh Sazmaid

*PhD Student of Persian Language and literature Hamedan Azad University, Iran,  
Moderator University of Applied Sciences Hamedan*

---

### Abstract

The sacred defense literature, especially committed poetry, is based on the culture of Shiite and Islamist oppression. Since poets of this period are aware and their poems are influenced by various events and events, the Holy Defense poetry is also on its evolutionary path in eight years of defense. The holy guardian of the youth has been the atrociousness and sacrifice that witnessed the instant moment of the image of the community. The protest in the sacred defense poetry has not been done with the purpose and planning, but the conscious reaction of any committed and motivated man against cultural cruelty and military invasion. The poets of this period, like all the time before, never experienced the oppressions and, on this basis, protested the language, and the literary genre created objections as one of the main themes of the holy defense poetry, which aims to express the pain of social hardship. The protest poets began to reveal themselves, and in this way they were so screaming as sometimes before the trial of the offender. This research is aimed at showing this literary genre in poetry of the sacred defense poets, whose mission is to awaken conscience. Protest poetry is poetry of courage and courage, and it does not pay much attention to its interests. Sacred Defense Poets at the outbreak of the war protested the only way to save the values of the war. One of the pioneers of this type of poetry is Alireza Qazhah. Protesters have different kinds of protest, most notably protesting injustice. The martyrs' fame, protesting the transformation of values, criticizing disrespectful war, protesting luxury.

**Key words:** Sacred Defens Poem, Complaining, protest, Alireza Qazveh.

---